

اندیشگاه طرح هزاره پاسارگاد

کرونا و لزوم بازاندیشی در آرمان های بشری

مروری بر تحولات گفتمان و شاخص های توسعه و لزوم بازاندیشی در آن

رضا معصومی راد

۹۹-۹-۱۰

نماگرها و شاخص های توسعه

- شاخص های توسعه عمدتاً سازمان های بین المللی مورد استفاده قرار می گیرند که وظیفه نظارت بر کشورها را بر عهده دارند.
- اولین شاخص ها و نماگرها عمدتاً از جنس اقتصادی بودند و بعدها به تدریج ابعاد کیفی و اجتماعی و فرهنگی نیز پیدا کردند.
- ۱ - تولید ناخالص ملی (GNP) : ارزش کلیه کالاها و خدمات نهایی تولید و ارزش گذاری شده به قیمت جاری بازار طی یک سال مالی است.
- این شاخص ضعف هایی دارد.
- اول جمعیت کشورها در آن منعکس نیست. لذا بهتر از آن شاخص تولید ناخالص ملی سرانه استفاده شود.
- دوم اینکه این شاخص حجم تولیدات و خدمات غیربازاری را نادیده می گیرد. مانند خدمات و تولیدات خانگی - فعالیت های زنان و مردان و کودکان در خانه و ...
- ۲ - درآمد ملی : درآمد ملی (NI) روش دیگری برای محاسبه تولید ناخالص داخلی است که براساس درآمد عوامل تولید بکار می رود. درآمد ملی سرانه از تقسیم درآمد ملی بر جمعیت یک کشور به دست می آید.

قدرت برابری خرید PPP

- لازم به ذکر است که مقایسه کشورها براساس دو شاخص فوق (تولید ناخالص ملی و درآمد ملی) به دلیل نرخ های مختلف ارز، تورم و یارانه و ... در کشورهای مختلف توام با تورش است. بنابراین شاخص دیگری را مبنای مقایسه قرار می دهند که قدرت خرید یکسان (purchasing power parity - PPP) نامیده می شود.
- این شاخص قدرت خرید مجموعه مشخصی از کالاها و خدمات برا برای کشورهای مختلف محاسبه می کند.

۳ – توزیع درآمد

- معیار و شاخص بعدی برای اندازه گیری درجه توسعه یافتگی کشورها، تحلیل الگوی توزیع درآمد است. بیشتر بودن درآمد یا تولید کشورها الزاما موید برخورداری بیشتر آحاد جامعه از مواهب این درآمد نیست. لذا این نکته واجد اهمیت است که این درآمد چگونه توزیع شده است.
- مثلا سهم دهک های درآمدی گوناگون از کیک تولید و درآمد کشور چگونه است.
- علاوه بر سهم دهک ها، معیارهای دیگری مانند منحنی لورنز، ضریب جینی، شاخص تایل و معیار اتکینسون برای بررسی چگونگی توزیع درآمد مورد استفاده قرار می گیرد.
- منحنی لورنز براساس دهک های درآمدی مختلف، نشان می دهد که هر کدام از دهک ها چند درصد از کل درآمد جامعه را به خود اختصاص می دهند.
- ضریب جینی بین صفر و یک تغییر می کند و هر به عدد یک نزدیک باشد، به معنای توزیع نابرابرتر درآمد است.

۴ - وسعت فقر

- وسعت فقر به دو عامل بستگی دارد. سطح متوسط درآمد ملی و درجه نابرابری در توزیع درآمد.
- در هر سطحی از درآمد ملی سرانه، هر چه توزیع درآمد ناعادلانه تر باشد، میزان نابرابری در فقر بیشتر است. همچنین در هر سطحی از درآمد ملی، هر چه سطح متوسط درآمد پایین تر باشد، میزان فقر بیشتر است.
- در دهه ۱۹۷۰ میلادی توجه به فقر بسیار بالا بود و مفاهیم خط فقر و فقر مطلق جهت تعیین میزان حداقل درآمد لازم جهت ادامه بقا و معیشت افراد جامعه براساس تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، پوشاک و مسکن طرح و وضع شد.

۵ - شاخص دسترسی به بهداشت همگانی و آموزش عمومی

- دسترسی به آب آشامیدنی سالم، مقابله بیماری های واگیردار علاوه بر فقر و سوء تغذیه از مهمترین مسائل کشورهای توسعه نیافته است.
- براین اساس، سازمان ملل متحد به شاخص هایی مانند :
 - درصد جمعیت برخوردار از آب آشامیدنی
 - تعداد مرگ و میر نوزادان،
 - امید به زندگی در زنان و مردان
 - متوسط طول عمر
- امکانات آموزشی و دسترسی سهل و رایگان احاد جمعیت کشورهای به این امکانات استفاده می نماید.

۶ – شاخص توسعه انسانی HDI

شاخص توسعه انسانی یکی از مهمترین شاخص های ترکیبی برای اندازه گیری سطح توسعه یافتگی کشورهاست. این شاخص سه ظرفیت اساسی را با هم ترکیب و بر مبنای آن به درجه توسعه یافتگی کشورها دست می یابد.

۱ – کسب دانش (نرخ باسوادی بزرگسالان)

۲ – امید به زندگی (امید به زندگی در بدو تولد)

۳ – دسترسی به امکانات مادی (درآمد – قدرت خرید واقعی افراد براساس دلار آمریکا)

شاخص توسعه انسانی ، میانگین وزنی ساده سه متغیر فوق است. دامنه آن بین یک (حداکثر) و صفر (حداقل) است.

بین صفر تا ۰/۵ = سطح توسعه انسانی پایین

بین ۰/۵ تا ۰/۸ = سطح توسعه انسانی متوسط

۰/۸ به بالا = سطح توسعه انسانی بالا

۷ - تغییر ساختار اقتصادی

- تغییر ساختار عبارت است از افزایش سهم بخش خدمات و بخش صنعت از نیروی کار و ارزش افزوده نسبت به بخش کشاورزی.
- اولین اقتصاددان که این موضوع پرداخت کولین کلارک بود و بعد از او کوزنتس، چنری و سیرکون آن را بسط دادند.
- تحقیقات این اقتصاددانان در ۱۰۸ کشور ثابت کرد که رابطه مستقیمی بین جمعیت، درآمدسرانه و تحولات ساختاری وجود دارد و رشد و گسترش بخش صنعت به عنوان شاخصی برای توسعه می تواند محسوب شود. کولین کلارک برای این پدیده به دو دلیل اشاره می کند:
- ۱ - قانون انگل: با افزایش درآمد، سهم درآمدهای کسب شده برای مواد غذایی کاهش می یابد و به سمت خدمات و صنعت سوق می یابد.
- ۲ - بهره وری صنعت و خدمات سریعتر از کشاورزی رشد می کند.
- در نتیجه سهم این دو بخش از کشاورزی در درآمد ملی بیشتر می شود.

۸ – تمرکز زدایی و مشارکت

- واگذار کردن امور به مناطق، کاهش حجم تصدی ها و فعالیت های دولتی و سپردن آن به مردم و بخش خصوصی به منظور افزایش کارایی و از طریق مشارکت مردمی در فضای رقابتی.
- مشارکت روستاییان در توسعه
- مشارکت زنان در توسعه
- سازمان ملل مشارکت را این چنین تعریف کرده است: کوشش های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادها برای گروه هایی که مشارکت اجتماعی و حضور در فعالیت های اقتصادی تاکنون از آنها دریغ شده است.
- اقتصاددانان مشارکت را وسیله ای برای افزایش نرخ رشد، کاهش بیکاری، شناخت توانایی ها و بهره گیری از آنها در سطحی فراگیر و توزیع بهتر درآمدها می دانند.
- البته صاحب نظران علوم اجتماعی به مشارکت نگاه ابزاری ندارند، بلکه اساساً آن را جزئی از توسعه و یا هدف توسعه قلمداد می کنند.

۹- تحرک اجتماعی

- میزان بسته یا باز بودن جامعه از نظر امکان تغییر در شغل یا موقعیت طبقاتی افراد.
- اینکه دستیابی به مناصب و موقعیت های شغلی ، درآمدی و طبقاتی ناشی از تلاش و شایستگی افراد است یا ناشی از رانت و تعلق قومی - طبقاتی - جنسیتی - سیاسی - مذهبی و ...

شاخص فلاکت:

- شاخص فلاکت (به انگلیسی: Misery index) یک نشانگر اقتصادی است که توسط اقتصاددان آرتور اکان تبیین شده است و از افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم بدست می‌آید. باور بر این است که تورم فزاینده در کنار بیکاری رو به افزایش برای یک کشور، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی در برخواهد داشت.
- شاخص مشابه دیگری توسط روبرتو بارو ابداع شده که علاوه بر تورم و بیکاری شامل تولید ناخالص داخلی و نرخ بانکی است.
- برخی اقتصاد دانان عقیده دارند شاخص فلاکت دارای رابطه مستقیمی با جرم و جنایت در جامعه است و روند تغییر این شاخص با فاصله حدود یک سال در شاخص جرم و جنایت تأثیر می‌گذارد، برعکس شاخص فلاکت، شاخص ناامیدی که به اثر شاخص سهام بر نرخ خودکشی دلالت دارد وقفه زمانی کوتاهتری میان دو نرخ را در نظر می‌گیرد.

شاخص لگاتوم:

- شاخص رفاه لگاتوم رتبه‌بندی سالانه مؤسسه پژوهشی لگاتوم (Legatum Prosperity Index) است که درباره سطح رفاه در ۱۴۲ کشور مختلف منتشر می‌شود.
- سطح رفاه در کشورها با مقایسه وضعیت آن‌ها در ۹ حوزه اقتصاد، فرصت‌های کسب و کار، حکومت‌داری، آموزش، سلامت، امنیت و ایمنی، محیط زیست، آزادی‌های فردی و سرمایه اجتماعی سنجیده می‌شود. در رتبه‌بندی ۲۰۱۵، نروژ، سوئیس، دانمارک، بالاترین رتبه‌ها را دارا بودند. رتبه ایران فهرست ۲۰۱۴، ۱۰۷ است و در اغلب هشت حوزه مورد بررسی نیز در نیمه پایینی جدول قرار دارد. بهداشت و آموزش تنها حوزه‌هایی هستند که ایران در نیمه بالایی جدول قرار گرفته‌است.

شاخص درک فساد :

- شاخص احساس فساد یا شاخص درک فساد (به انگلیسی: (Corruptions Perception Index(CPI) شاخصی است که رتبه فساد در بخش عمومی یک کشور را درمیان سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد. سازمان شفافیت بین‌الملل، با استفاده از شاخص ادراک فساد، کشورها را برحسب میزان فساد موجود درمیان مقامات دولتی و سیاستمداران‌شان رتبه‌بندی می‌کند.
- این شاخص که هر ساله منتشر می‌شود، به وسیله معیارهای تعیین‌شده سازمان جهانی شفافیت بین‌الملل و دانشگاه پاساو در آلمان (Universität Passau) محاسبه می‌شود.
- سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی در ۱۸۰ کشور جهان دفتر داشته و گزارش‌های سالانه خود را بر پایه معیارهایی از جمله بررسی مدیریت دولتی در کشورها، شرایط دسترسی شهروندان به خدمات عمومی، ساختار حقوقی و قضایی حاکم در کشورها و موقعیت بخش خصوصی تهیه می‌کند.

شاخص حکمروایی (حکمرانی خوب) :

- ۱- مشارکت:** میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.
- ۲- حاکمیت قانون:** حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در بر گیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم است ذکر شود که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می‌باشد.
- ۳- شفافیت:** شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه و رسانه‌ها است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست.
- ۴- پاسخگویی:** پاسخگویی نهادهای سازمان‌ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود.
- ۵- وفاق عمومی:** فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد.
- ۶- حقوق مساوی (عدالت):** همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.
- ۷- اثر بخشی و کارایی:** استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست و منابع انسانی و مادی.
- ۸- مسئولیت پذیری:** در کنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند.

شاخص کیفیت زندگی:

• مردم در کشورهای توسعه یافته به رفاه اقتصادی دست یافته اند ولی، احساس نمی کنند که زندگیشان، از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. پس، رشد شاخص تولید ناخالص داخلی GDP که معرف رشد اقتصادی است، نمی تواند معیار بهبود کیفیت زندگی مردم تلقی شود. از این رو، برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۵ میلادی، واحد اطلاعاتی اکونومیست EIU، شاخص اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به منظور رتبه بندی کشورهای جهان ارائه کرد. این معیار رتبه بندی کشورها را شاخص کیفیت زندگی QLI، نام گذاری کرده اند.

عوامل نه گانه کیفیت زندگی و شاخص های به کار گرفته شده عبارتند از:

- تعالی مادی: سرانه تولید ناخالص ملی
- سلامتی: امید به زندگی
- ثبات سیاسی و امنیت: نرخ ثبات سیاسی و امنیت
- زندگی خانوادگی: نرخ طلاق (در هر هزار نفر)
- زندگی اجتماعی: نرخ حضور در اماکن مذهبی یا عضویت در سندیکاها
- اقلیم و جغرافیا: عرض جغرافیائی، شرایط اقلیمی بین گرمتر و سردتر را مشخص می سازد.
- امنیت شغلی: نرخ بیکاری
- آزادی سیاسی: متوسط شاخص های آزادی های مدنی و سیاسی
- برابری جنسیتی: نسبت متوسط درآمد مرد و زن، بر اساس آخرین داده های در دسترس

معضلات گفتمان توسعه یا توسعه خواهی

- اگرچه خودخواهی و خودبینی انسان چه در مقام اشرف مخلوقات و چه به عنوان یگانه مخلوق اندیشه‌ورز، که کائنات را برای خود و در خدمت خود می‌دید، قدمتی دیرین دارد ولی در دروان مدرن و گسترش اندیشه انسان مداری قوت و شدتی افزون یافت و پس از رنسانس و تحولات علمی و انقلاب صنعتی، مدرنیزاسیون و مدرنیسم، موتور ماشینی را روشن کرد که دامنه مداخلات، دست اندازی ها و تجاوزات بشر را در همه عرصه ها ممکن کرد ،
- و هیچ محدودیتی را در برابر اراده فاوستی او برنتابید.

- جامعه بورژوازی مدرن، جامعه ای که چنین ابزار و وسایل غول آسایی را برای تولید و مبادله ظاهر ساخته است، به مانند آن جادوگری است که دیگر نمی تواند آن قدرتهای زیرزمینی را که با اوراد جادویی خود او بیدار گسته اند، مهار سازد. (مانیفست کمونیست)

• عصر ما عصری فاوستی است و همگی عزمی راسخ داریم تا پیش از آنکه
دخل همه مان بیاید خدا یا شیطان را ملاقات کنیم. - نورمن میلر ۱۹۷۱

• در تعبیر دینی خداوند آدم را به دانش برتری داده است. در تورات و انجیل و قرآن آمده است که فرشتگان در برابر معلومات گسترده و دانش فراوان انسان، سرتسلیم فرود آوردند و بر آن‌ها، آشکار شد که او سزاوار چنین مقام خلیفه الهی است.

• وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾

• و همان کسی که جفتها را یکسره آفرید و برای شما از کشتیها و دامها [وسیله ای که] سوار شوید قرار داد.

• لَتَسْتَوُوا عَلَيَّ ظُهُورَهُ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾

• تا بر پشت آن [ها] قرار گیرید پس چون بر آن [ها] برنشستید نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را یارای [رام ساختن] آنها نبود. (آیات ۱۲ و ۱۳ سوره زخرف)

• «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الإسراء، ۷۰)

• ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم، آن هم چه برتری (روشنی)؟!!

• مطابق تعابیر علمی و نیز دینی، موجودات عالم اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و انسان در یک خط تکاملی در نظر گرفته می‌شوند و لذا کامل‌ترین آنها یعنی انسان، لاجرم به شریف‌ترین و لاحق‌ترین آنها برای غلبه و سیطره بر عالم و بهره‌گیری از همه‌ی سایر موجودات می‌گردد.

- آدام اسمیت با طرح مفهوم لسه فیر (بگذار انجام شود) (laissez faire) (Let do) ، فرد انسانی را به اصلی‌ترین واحد محق برای پیگیری و تحقق خواسته‌هایش معرفی کرد، چرا که بر آن بود بدین گونه منافع جمعی نیز بیشینه خواهد شد. رویکردهای فردگرایانه و لیبرال و نولیبرال در اقتصاد – جامعه‌شناسی – علم سیاست و ... به نوعی همگرا با این نظر مطرح و استمرار یافتند.
- در سوی دیگر، کارل مارکس با طرح مفهوم تضاد طبقاتی و تشدید نابرابری در نتیجه گسترش مالکیت خصوصی، جامعه را به عنوان یک کلیت اصیل و واحد، برای تحقق و تعقیب هر گونه هدف و منفعتی، برشمرد و در این رویکرد نیز حقوق اجتماع انسانی مورد تأکید قرار گرفت و رویکردهای اقتصادی – اجتماعی – سیاسی ملهم از آن نیز جمگی، بر کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در بین اجتماعات انسانی پافشاری کردند.
- هر دو رویکرد کلان فوق، تحقق بهترین و مرفه‌ترین و عادلانه‌ترین زندگی ممکن برای انسان به مثابه‌ی یگانه موجود اصیل و شریفی که شایسته و یا مستحق چنین برخورداری‌هایی است، دنبال کرده‌اند.

- مروری بر تعاریف و شاخص های رشد و توسعه نشان می دهد که به رغم تمایزاتی که بین آنها وجود، همه آنها در یک عنصر **وجه مشترک** دارند و آن فراهم شدن **رفاه و برخورداری و توانمندی و افزایش استحقاق های انسان معاصر و نسل های بعدی** او است.

- حتی تعاریف، رویکردها و شاخص های توسعه پایدار از آن رو حفاظت از منابع زیستی را مورد تأکید قرار می دهند که تضمین کافی برای برخورداری نسل های آینده بشر از این منابع فراهم شود.

- آنچه همه این رویکردها از آن غفلت کردند این است که تا چه اندازه باید به عطش رشد و رفاه طلبی گونه انسان خردمند باید مجال داده شود و با چه معیار و چه شاخص و علامتی، باید ترمز ماشین توسعه را کشید یا از سرعت آن کاست. ماشینی که مدام رشد می خواهد و تغییر.

۱ - مفهوم رشد :

- هیچ مفهومی به اندازه مفهوم رشد، برای هدایت و یا ارزیابی فرد، بنگاه، سازمان ، کشور و یا جامعه، شاخصی پایه‌ای، مبنایی و کلیدی نبوده و به همین دلیل بیشترین کاربرد را داشته و دارد. حتی به رغم پی بردن به ضعف و نقصان آن در بازنمایی وضعیت یک کلیت مورد بررسی، اما به هیچ وجه کنار گذاشته نشد بلکه با ابزارهای مفهومی دیگری تکمیل و متمیم یافت.
- در ادبیات توسعه و در علم اقتصاد از این مفهوم برای اندازه گیری تغییرات در میزان تولید کالاها (و خدمات) در اقتصاد یک جامعه در بازه زمانی مشخص استفاده شده است و به طور مشخص «رشد اقتصادی» به تغییر تولید ناخالص ملی (GNP) در یک دوره مالی اطلاق گردید.
- بدیهی است این مفهوم از انسان، سازمان و یا کشور، افزایش تولید را مطالبه می کند و هر کشوری که رشد بیشتری در تولید داشته باشد، موفق تر در نظر گرفته می شود. لذا مسابقه بر سر افزایش تولید امری بدیهی می شود و همه درصدد برآمدند تا با استفاده از روش های مختلف اعم از ارتقاء بهره وری عوامل تولید و یا کشف انرژی ها و منابع نو یا کارآفرینی و نوآوری و ... بر میزان تولید خود بیافزایند.

- اما چون همواره رشد مثبت هدفگذاری می شود، کسی از خود نمی پرسد که این مسابقه تا کجا باید ادامه یابد. از نظر علم اقتصاد نطقه اپتیمم با مفهوم اشتغال کامل تبیین شده است. وضعیتی که همه عوامل تولید با نهایت ظرفیت خود دست اندرکار تولید باشند. اما این همه تولید برای کی؟ و برای چی؟ لابد پاسخ آن این است.

- برای تعالی و رفاه و خوشبختی اشرف و یا کاملترین و ذیحق ترین مخلوقات. برای بهبود توانمندی های او و برای ارتقاء استحقاق های او. اما کسی نمی پرسد به چی قیمتی؟ به قیمت کاسته شدن از حق دیگر باشندگان و ذینفعان زمین؟ آیا موش ها و سوسک ها و مورچه ها و شیرها و خرس ها و گاو ها و مرغ ها و ... همه باید در اشتهای سیری ناپذیر رفاه طلبی و رشد خواهی ما تلف شوند؟ یا این که فکری برای هم باشی و هم‌داری با آنها هم کرده‌ایم؟

- اکنون در شرایط کرونا، اغلب دولت‌ها با این ماتم اعضا مواجه‌اند، که اقتصادهای ملی شان دچار رشد منفی شده است. به این معنا که ارزش تولیدات آنها نسبت به دوره مالی قبل (به قیمت های ثابت) کاهش یافته است.
- اما صرفاً تعداد اندکی از صداها از جانب برخی دوستداران همزیستی و هم باشی با موجودات عالم، از به کوی و بزرن آمدن جوجه تیغی‌ها و حیوانات و به کرانه آمدن ماهی‌ها و دلفین‌ها در بنادر پررونق، احساس رضایت و شعف نموده‌اند.

۲ – مفهوم نوسازی و نوآوری:

- تا چند دهه، شمار کثیری از محققان، نوسازی و نوآوری را به عنوان مدل و ابزاری مفهومی برای به خط کردن همه کشورها در مسابقه رشد و توسعه استفاده کردند. و هر کشوری که از شرکت در این مسابقه امتناع می کرد، با انواع برچسب های تحقیر کننده و سرکوبگر بدوی، عقب مانده، سنتی، تقدیرگرا، گرفتار عصبیت ها و تعصبات، فاقد خلاقیت و نوآوری و ... به زانو در می آوردند تا در نهایت به یکی از روش های مدرنیزاسیون در بعد اقتصادی و تکنولوژیک، مدرنیزاسیون سیاسی، مدرنیزاسیون فرهنگی، مدرنیزاسیون روانی و اجتماعی و ... اجازه و امکان تحقق دهد.
- ولی امروز ارزش و بهای گنجینه و میراث از دست رفته جوامع فهمیده می شود که تا چه اندازه از قابلیت هم زیستی بیشتری برخوردار بود و کمتر فاجعه با بار می آورد. چه تمدن ها، فرهنگها، زبانها و آئین هایی که مشحون از تعالیم اخلاقی شایسته تری از حیث همزیستی با طبیعت بودند، که پس از ورود به دنیای مدرن دستخوش اضمحلال و استحاله شدند. یا در نتیجه تجاوز و استعمار از بین رفتند.

- گذشته از فجایع استعمار، استثمار و بردگی و بندگی و کشتار و ... که وحشیانه در حق ساکنان سرزمین‌های اشغال شده روا داشته شد، چه ثروتی که از غارت منابع آن برای استعمارگران اروپایی حاصل شد.
- براساس نقشه مستعمرات تا قبل از جنگ جهانی اول نزدیک به ۸۵ درصد جهان مستعمره صرفاً چند کشور اروپایی بودند. آیا صرفاً همین شاخص، کافی نیست برای قوی تر، امن تر و مرفه تر شدن ممالک اروپایی؟ و آیا جنگ‌های بنیان کن اول و اول جهانی ریشه در تضادهای همین کشورها نداشت که دیگر ممالک را نیز به کام مرگ کشاند؟
- و آیا همین ممالک اروپایی مشروعیت و شایستگی آن را دارند که به دیگر فرهنگ‌ها و ملل، طریق بهزیستی را بیاموزند؟
- آیا صحیح و عاقلانه بود که کشورهای غیراروپایی، اروپا را سرمشق تحولات خود برای مدرنیته و توسعه قرار دهند؟

تعریف توسعه

- پس از جنگ جهانی دوم، اندیشمندان و دولت های ممالک اروپایی در اهداف و آرمان های اقتصادی بازنگری کردند و مفهوم رشد اقتصادی را برای ارزیابی وضعیت یک کشور کافی ندانستند. به علاوه لازم بود برای التیام آلام این جنگ بزرگ، سیاست های رفاهی را در پیش گیرند تا برای رفع فقر، کاهش نابرابری، تأمین مسکن، درمان، آموزش و کاهش شکاف بین طبقات در دسترسی به خدمات و امکانات برای اکثریت جامعه اقدام شود.
- از این رو صرف مفهوم رشد و یا صرف شاخص تولید ناخالص ملی یا سرانه برای تبیین و توضیح الگوی دسترسی افراد جامعه به مواهب رشد کافی نبود و لازم بود تا با افزودن ابعادی کیفی تر به آن، شاخصی جدید برای سنجش وضعیت اقتصادی کشورها وضع گردد. از این رو مفهوم توسعه بکار گرفته شد.

- توسعه اقتصادی Economic Development در یک تعریف کلی ، عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی.
- در تعریف دیگری توسعه اقتصادی را ارتقای فراگیر و همه جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانسته اند.
- جرالد می یر (Gerald Meier.1995) توسعه را رشد اقتصادی توأم با تحولات تعریف می کند و تحولات را به تغییرات در دو حوزه جستجو می کند. ۱ - ارزش ها و نهادها ۲ - تغییرات فنی.
- در سطح ارزش ها ، تغییراتی مد نظر است که موافق و پیش برنده و ارتقاء دهنده باشند. ارزشهای مانع توسعه به ارزش های پیش برنده توسعه تبدیل شوند. سپس انتظار این است که این ارزش ها نهادینه شوند و به شکل قوانین و مقررات درآیند.

- آمارتیا سن برنده نوبل اقتصاد، توسعه را عبارت از افزایش توانمندی ها **Capabilities** و بهبود استحقاق ها **Entitlements** انسانی تعریف کرده است.
- این دیدگاه بر آن است که توسعه لاجرم باید در خدمت افزایش توانایی های آدمیان و گسترش دامنه برخورداری ها و حقوق شان باشد.
- درجه توسعه اقتصادی کشورها و جوامع را با همین برخورداری ها یا تحقق استحقاق های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی (می سنجند).
- دیدگاه دیگر بر خلاقیت ها و نوآوری های انسان تأکید می کند و هرنوع تحول چشمگیر را نشأت گرفته از تفکر آزاد انسانی و شرایط ظهور نبوغ و نوآوری های فردی تلقی می کند. این دیدگاه هر تغییر را توسعه محسوب نمی کند، بلکه برای تحقق توسعه آستانه معینی از تحول و رشد باید لحاظ شود. از طرفداران این رویکرد می توان به روستو (نظریه خیر اقتصادی) و شومپیتر (در خصوص نوآوری و کارآفرینی) اشاره نمود.
- لذا آنچه از جمیع تعاریف و مفاهیم فوق استنتاج می شود، استمرار حرکت انسان بر مدار بهره برداری از منابع برای جستجوی رفاه و سعادت است که دست کم تاکنون فراچنگ نیامده است.

ارزیابی و استنتاج

- انقلاب علمی و فکری و صنعتی چند قرن اخیر شرف زایدالوصفی در بین اندیشه‌ورزان ترقی و پیشرفت بشر ایجاد کرد و موجبات بالگشایی و شکوفایی استعدادها و اندیشه‌های تغییر و تحول و تکامل طلبی شد، به طوریکه هماره و تا به امروز جملگی از این رخداد عظیم در تاریخ بشر به نیکی و جلال و شکوه یاد شده است.
- این تحولات ضمن اینکه قابلیت بهره‌مندی از رفاه و سلامت و طول عمر بیشتری را برای شمار کثیری از آدمیان به ارمغان آورد ولی به مسائل ویرانگر نوینی دامن زد که، احتمال شیوع و ابتلا به انواع سرطان‌ها و همه‌گیری بیماریها و ویروس‌ها، صرفاً برخی از این تهدیدات و نگرانی‌ها را تشکیل می‌دهند.

• اگر بیلان تلاش های توسعه گرایانه علمی - فنی - اقتصادی - نظامی - سیاسی مورد محاسبه و ارزیابی قرار گیرد، به نظر می رسد در برابر عواید حاصله ، کفه زیان در ابعاد اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - امنیتی (فقر، تبعیض، بی عدالتی، مخاطرات هسته‌ای، تروریسم، ظلم، بردگی، استثمار، فحشاء، قاچاق انسان، سوء مصرف مواد مخدر، الکلیسم، تداوم کشتار بیگناهان، قربانیان انواع خشونت ها و ...) ، زیست محیطی (انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زیست کره، تخریب جنگل ها ، بالا آمدن سطح آب دریاها)، روانی (افسردگی و احساس تنهایی...) ، فلسفی (بی معنایی و احساس پوچی زندگی) و ... چنان سنگین است که آدمی کل راه رفته را درجازندن و بیهوده می انگارد و نیل به سعادت و خوشبختی را به رویا و کابوسی بدل نموده و در نتیجه آینده حیات و ممات او را با تیرگی و ابهام روبرو کرده است.

- گویی انسان مدرن، بسان قهرمان اساطیری یونان (سیزیف) محکوم به بی تابی و دویدن و تلاش برای هیچ بوده است.
- با همه گیری ویروس کرونا و تبعات و پیامدهای آن در کنترل همه اشکال فعالیت های رایج بشر امروز، ابعاد نگرانی چنان شدت گرفته که تأمل و بازنگری در کل اراده و رفتار سیزیفی انسان مدرن، را ضروری و اجتناب ناپذیر نموده است.

• سیزیف یا سیسیفوس Sisyphus قهرمانی در اساطیر یونان است. او به علت خود بزرگ‌بینی و حيله‌گری به مجازاتی بی‌حاصل و بی‌پایان محکوم شد که در آن می‌بایست سنگ بزرگی را تا نزدیک قله‌ای ببرد و قبل از رسیدن به پایان مسیر، شاهد بازگشتیدن آن به اول مسیر باشد؛ و این چرخه تا ابد برای او ادامه داشت. به همین دلیل امروزه انجام وظایفی که در عین دشواری، بی‌معنی و تمام نشدنی نیز هستند را گاهی «سیزیف‌وار» خطاب می‌کنند.

- اینک در رویارویی کلافه کننده و در عین حال خنده‌دار دولت‌ها و ملت‌ها با ویروس کرونا، این پرسش اساسی مطرح است که به راستی چه در انتظار ماست و خلق و انباشت این همه علم و دانش و تکنولوژی و ثروت و قدرت، چه امکانی برای تداوم حیات ما بر جای گذاشته است؟
- آیا باز هم باید سنگ سقوط کرده به ته دره را به بالای قله برسانیم؟ یا باید در استمرار چنین عزم و تلاشی بازنگری کنیم؟
- آیا غلبه بر این ویروس که دست و پاچلفتگی و ناتوانی و ضعف ما را به رخمان کشیده و بیش از همیشه افسردگی ما را در کنج تنهایی مان موجب شده، زمینه ساز بازنگری اساسی در انگاره‌ها، آرمان‌ها و رسالت‌های مهیجی نشده که همواره بر تحقق آنها مصر بودیم؟

• آیا برای تداوم حیات خود در زمین به این نتیجه نرسیده‌ایم که در حقانیت و اعتبار، کل معرفت انباشته خود یکبار دیگر تردید کنیم و همچون هیوم آنها را صرفاً اموری تصنعی و اعتباری که ریشه در حقیقتی ذاتی ندارند، قلمداد کنیم؟

• تلاش برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های فوق ناگزیر از مسیری عبور می‌کند، که نقطه آغازش تأملی بنیادین در رسالت‌ها، آرمان‌ها، تکالیف و حقوق انسان‌ها در هستی و زندگی است تا شاید، تحولی و انقلابی فکری و فلسفی دیگری رخ نماید و شور جدیدی در جان آدمی و نور منیری در تداوم حیاتش برانگیزد.